

قصه سنجان (یک اودیسه ایرانی)

در سال ۱۴ هجری، سپاه ساسانی در **قادیسی** از مسلمین شکست یافت و **درفش کاویان** بدست تازیان افتاد. دو سال پس از آن، در بهار سال شانزدهم هجری، **تیسفون** به تصرف مسلمین درآمد. پس از آن، شکست ایرانیان در **نهادند**، سراسر خاک ایران را به تاخت و تاز تازیان سپرد. آخرین بازمانده خاندان کیان "یزدگرد سوم" در سال ۲۹ هجری در **مرو** بدست آسیابانی کشته شد. هرچند ایران پس از شهریار ناکام ساسانی، از آن تازیان بود، اما تا یک سده پس از آن در ایران، آتش جنگ زبانه می کشید.

چنین گزارش کند "ابراهیم پورداود" در نامه "ایران شاه":

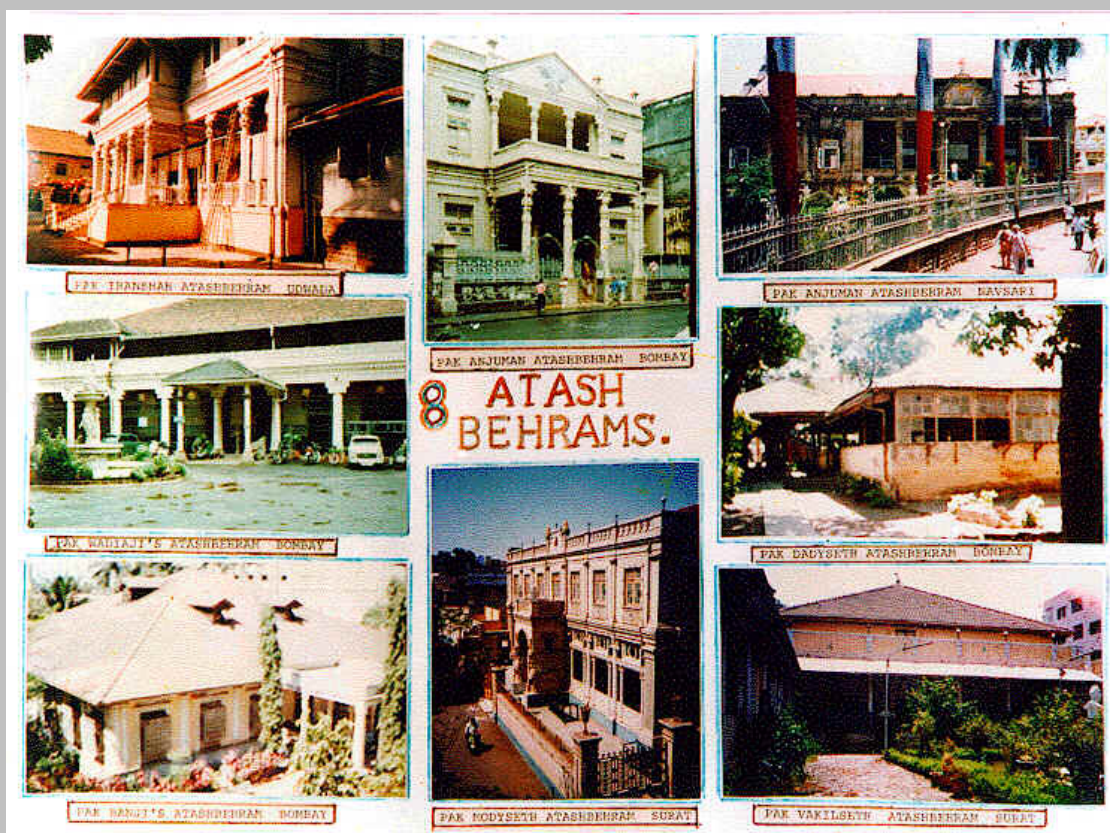
گروهی که نه تاب ستیزه خونین و نه یارای پرداختن جزیه سنگین داشتند، برای نگاهداری آیین کهن سر به کوه و بیابان نهادند و سال هایی دراز، کوه های **خراسان** پناهگاه آوارگان بود تا آنکه آن سامان نیز به چنگ دشمن افتاد؛ به ناچار فرار نموده و چندی در **جزیره هرمز** در **خلیج فارس** به سر بردند و چون در آنجا هم دشمن امان نداد، "ایران" وطن نیاکان خود را بدرود گفته و با کشتی رهسپار دیار **هند** شدند. این مهاجران، "پارسیان هندی" نامیده می شوند.

داستان این مهاجرت "اودیسه" وار ایرانیان در خرداد روز از فروردین ماه ۹۶۹ یزدگردی (۱۶۰۰ میلادی) بدست یکی از پارسیان هندی به نام "بهمن کعباد" فرزند دستور "هرمز دیار سنجان" در نامه ای با نام "قصه سنجان" به نظم فارسی، سرایش شد. کهن ترین نسخه دستنویس این سرایش از سال ۱۶۹۲ میلادی هم اکنون موجود می باشد.

مهاجران پس از پیمودن همه سختی های راه دریا به **هند** رسیدند. به سرزمینی رسیدند از بخش های "گجرات" که یک "راجا" به نام "جادی رانه" بر آن فرمان می راند. "راجا" پس از دانستن دین و آیین مهاجران به آنان زمینی واگذار و بگذاشت که بر دین خود بزیند. ایرانیان آن زمین را که همه جنگل و بیابان و ویران بود، آباد نموده و آن را به نام شهر دلپسند خود در خراسان ایران، "سنجان" نامیدند. آنگاه آتشکده ای بر ساختند و "آتش بهرام" را که با خود از ایران آورده بودند، در آن برافروختند و "ایران شاه" نامیدند. پژوهشگر آمریکایی "جکسن"، سال ورود ایرانیان به **سنجان** را در ۷۱۶ میلادی می داند و می گوید که در سال ۷۷۵ میلادی، گروه دیگری از بهدینان از ایران بدانها پیوستند.

"پارسیان هندی" با نیروی کار و کوشش و بردباری که در خون ایرانی نژاد است و از پرتو "اندیشه نیک" و "گفتار نیک" و "کردار نیک"، در هند به جایگاه بالایی دست یافتند و همین بس که نخستین نماینده هندوستان در پارلمان انگلستان که برای رستگاری هند بسیار کوشید و برپا کننده کنگره هندوستان، یک پارسی به نام "داداباهای نوروز جی" بود. برپا کننده "بانک مرکزی هندوستان" هم یک پارسی به نام "سر فیروز شاه مهربان جی متا" بود. نیز نخستین کارخانه پارچه بافی در هندوستان بدست یک پارسی به نام "سر دینشاه پتیت" برپا شد. این "سر دینشاه پتیت" همان کسی است که با یاری چندی از پارسیان هندی به سال ۱۸۵۴ میلادی، انجمنی به نام "انجمن بهبودی حال زرتشتیان ایران" برپا داشت. این انجمن، نمایندگانی به همراه هدایایی به نزد "ناصرالدین شاه" فرستادند و سرانجام پس از ۲۸ سال کوشش توانستند فرمانی از شاه بگیرند که بر پایه آن، زرتشتیان ایران از پرداخت جزیه ننگین رهایی یافتند.

8 Atash Behrams in India



The Atash Behrams are listed below:

1. The Seth Cavasji Byramji Banaji Atash Behram, Keralwadi, Mumbai.
Established in 1215 Y.Z. (Year 1845 A.D.)
2. The Seth Hormusji Bomanji Wadia Atash Behram, Charni Road, Mumbai.
Established in 1200 Y.Z. (Year 1830 A.D.)
3. The Zarthusti Anjuman Atash Behram, Charni Road, Mumbai.
Established in 1267 Y.Z. (Year 1897 A.D.)
4. The Seth Dadhibhai Nusserwanji Dadiseth Atash Behram, Barkot, Mumbai.
Established in 1153 Y.Z. (Year 1873 A.D.)
5. The Iranshah Atash Behram, Udwada.
First established at Sanjan in 90 Y.Z. (Year 720 A.D.)
6. The Seth Khursedji Tehmulji Desai Atash Behram, Navsari.
Established in 1135 Y.Z. (Year 1765 A.D.)
7. The Seth Dadabhai Nusserwanji Modi Atash Behram, Surat.
Established in 1193 Y.Z. (Year 1823 A.D.)
8. The Seth Pestonji Kalabhai Vakil Atash Behram, Surat.
Established in 1193 Y.Z. (Year 1823 A.D.)

The Iranshah Atash Behram at Udwada houses the fire that was brought by the fleeing Parsis from Iran and consecrated shortly after their arrival at Sanjan, India. The village of Udwada is hence considered as a center of pilgrimage by the Parsis and is visited by thousands every year.

Vispi Homi Bulsara: <http://coulomb.ecn.purdue.edu/~bulsara/ZOROASTRIAN/zoroastrian.html>